## مراقب ارسال پیامک سودجویان اینترنتی باشید

معاون اجتماعی پلیس فتای ناجا در هشداری به شهروندان گفت: مراقب ارسال پیامک سودجویان اینترنتی مبنی بر «پرداخت مبلغ ناچیز برای درج هزینه آگهی» باشید.

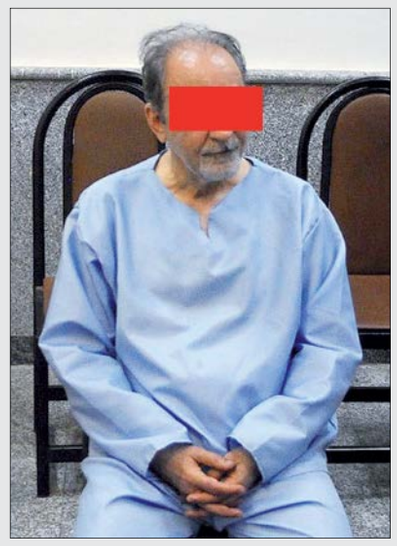
به گزارش جام جم، سرهنگ رامین پاشایی افزود: در سایت فروشگاهی دیوار، فردی که کالایی برای فروش دارد، اقدام به ثبت آگهی می‌کند و از طرفی دیگر خریدار با مراجعه به سایت و جست‌وجوی کالای مورد نیاز خود، با آگهی دهنده تماس می‌گیرد و به صورت مستقیم و بدون دخالت شخص ثالث باهم معامله می‌کنند.

وی تاکید کرد: در این خصوص مجرمان با ارسال پیامک برای کاربرانی که آگهی تبلیغاتی در این سایت درج کرده‌اند، مبنی بر پرداخت مبلغ ناچیز برای درج هزینه آگهی، ضمن هدایت طعمه‌های خود به لینک‌های جعلی پرداخت بانک، به محض وارد شدن قربانیان به این درگاه جعلی اطلاعات کارت بانکی متقاضیان را به سرقت برده و نسبت به برداشت غیرمجاز از حساب بانکی آنان اقدام می‌کنند.



## نجفی ۲۲ تیر محاکمه می‌شود





محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران ۴۶ روز پس از قتل همسر دومش به صورت علنی محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، سخنگوی دستگاه قضا دیروز درباره محاکمه نجفی به خبرنگاران گفت: اولین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد به صورت علنی روز شنبه ۲۲ تیر در دادگاه کیفری یك استان تهران برگزار می‌شود.

در این پرونده محمدعلی نجفی، متهم است هفتم خرداد امسال همسر دوم خود را به نام میترا استاد به قتل رسانده است. شهردار سابق تهران ده ساعت بعد از این جنایت با مراجعه به پلیس آگاهی خود را تسلیم و به قتل همسر دومش اعتراف کرد.

نجفی درباره انگیزه‌اش از قتل گفت: با همسر دومم اختلاف‌هایی داشتم و یك بار به خاطر همین اختلافات در هتل لاله قرص خوردم که مرا پیدا و به بیمارستان منتقل کردند. شب قبل از جنایت دوباره با همسرم درگیر شده و صبح این درگیری ادامه پیدا کرد. همسرم به داخل حمام رفت و گوشی تلفن مرا هم با خود برد. برای ترساندن او سلاحی که در خانه داشتم را برداشتم و به سمت حمام رفتم. او با دیدن سلاح به سمتم آمد و خودش را روی من انداخت که پنج گلوله شلیك شد و دو گلوله به دست و قلبش اصابت کرد. بعد از قتل در نامه‌ای شش صفحه‌ای انگیزه قتل را تشریح کرده و برای دخترم فرستادم.

پس از اعتراف به این قتل و بازسازی صحنه قتل، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. اولیای دم مقتول هم برای قاتل میترا استاد درخواست قصاص کردند.

قرار است شهردار اسبق تهران به اتهام قتل عمد میترا استاد، حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز و ایراد صدمه بدنی عمدی منتهی به جرح (غیر فوتی) در شعبه نهم و به ریاست قاضی محمدی کشکولی محاکمه شود.

## حکم قصاص برای قاتل امام جمعه





عامل شهادت امام جمعه کازرون پس از محاکمه در دادگاه کیفری به قصاص در ملاء عام محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، حجت‌الاسلام خرسند امام جمعه شهید کازرون سحرگاه بیست و سوم ماه رمضان ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه، پس از بازگشت از مراسم احیا در شب قدر توسط شخصی به نام حمیدرضا درخشنده به شهادت رسید. چند ساعت پس از این جنایت، قاتل دستگیر شد و در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد. چهار روز بعد پرونده با صدور کیفرخواست برای محاکمه به دادگاه کیفری یك استان فارس ارسال شد. صبح دیروز جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه یکم دادگاه کیفری استان تهران و به ریاست قاضی حسین رجایی‌نیا و با حضور متهم به قتل، اولیای دم و نماینده دادستان برگزار شد.

در ابتدای جلسه دادگاه، نماینده دادستان با قرائت کیفرخواست تقاضای متهم را مطرح کرد.

در ادامه فرزند حجت‌الاسلام و المسلمین شهید خرسند به عنوان اولیای دم از دادگاه تقاضای قصاص کرد.

وکیل مدافع شکات نیز از طرف سایر اولیای دم بر تقاضای قصاص تأکید کرد.

پس از آن رئیس دادگاه با فراخواندن حمیدرضا درخشنده، متهم پرونده، به جایگاه به ثبت اظهارات وی پرداخت و ابتدا متهم با پذیرفتن اتهام با ابراز ندامت، از اولیای دم حاضر در دادگاه تقاضای بخشودگی کرد.

وی با اعتراف به این‌که پیش از این نیز قصد ارتکاب چنین کاری را داشته و در لحظه آخر منصرف شده گفت: در شب حادثه زمینه را برای اجرای قصد خود فراهم دیدم. حالا از کار خود پشیمان هستم و اشتباه کردم.

در ادامه وکیل متهم به دفاع از موکل خود پرداخت و از اولیای دم درخواست کرد قاتل را ببخشند.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، دادگاه با اعلام تنفس وارد مشورت شد و پس از اخذ آخرین دفاع متهم رأی دادگاه مبنی بر قصاص در محل ارتکاب جرم صادر و به صورت حضوری به متهم و وکیل مدافع وی ابلاغ شد.

عامل شهادت امام جمعه کازرون در جلسه محاکمه از کارخود ابراز پشیمانی کرد

## وعده ازدواج در اروپا، شگرد خواستگار اینترنتی

پشت صحنه یک جنایت



وعده هایش برای اقامت در کشورهای اروپایی و پیشنهاد ازدواجش به راحتی طعمه‌ها را وسوسه می‌کرد تا به او اعتماد کنند. حتی برای این‌که کسی به او شك نکند، عکس‌هایی از مناطق دیدنی کشورهای اروپایی ارسال می‌کرد. این هفته در «پشت صحنه یك پرونده» به ابعاد این کلاهبرداری مجازی پرداخته شده است.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ به جام جم گفت: چندی پیش خانم جوانی با حضوردر پلیس فتا شکایتی مطرح کرد مبنی براین‌که فردی ناشناس از طریق یکی از شبکه‌های اجتماعی با وی ارتباط برقرار کرده و مدعی بوده که خارج از ایران زندگی می‌کند و می‌تواند برای وی روادید و اقامت اروپا را فراهم کند. حتی وی را به بهانه ازدواج برای گرفتن اقامت فریب داده و از او پول و دلار کلاهبرداری کرده است.

وی افزود: در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد متهم فراری به شیوه‌ای مشابه از افراد بسیاری کلاهبرداری کرده است. در این مرحله از تحقیقات ماموران متوجه شدند او در ایران زندگی می‌کند که از سوی پلیس فتا مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد. متهم در بازجویی پلیسی اعتراف کرد برای پولدار شدن در واتس اپ با دختران و زنان جوان آشنا شده و با به دام انداختن آنها به کلاهبرداری از این افراد دست زده است.

متهم پس از اعتراف به جرایمش راهی دادسرا شد تا بازپرس پرونده درباره او تصمیم‌گیری کند.

### چشمانم بسته بود

رویای زندگی در خارج از کشور سرانجام کار دستش داد و گرفتار مجرم کلاهبردار شد. او که خود را برای بستن چمدان سفر آماده می‌کرد، مجبور شد راهی پلیس فتا شود تا بتواند پول‌هایی را که از دست داده پس بگیرد.

**چطور با متهم آشنا شدی؟**

در یکی از شبکه‌های اجتماعی با هم آشنا شدیم. او مدعی بود در یکی از کشورهای اروپایی زندگی می‌کند و عکس‌هایی از مناطق دیدنی این کشور منتشر کرده بود.

**تلفنی در ارتباط بودید؟**

نه. با واتس اپ تماس می‌گرفت.

**چطور به او اعتماد کردی؟**

بعد از مدتی که با هم گفت‌وگو می‌کردیم مدعی شد از من خوشش آمده و قصد ازدواج با من را دارد. او ادعا کرد برای ازدواج باید برایم اقامت بگیرد. به همین علت باید برایش پول واریز کنم.

**شك نکردی؟**

نه. زندگی در اروپا چشمم را کور کرده بود.

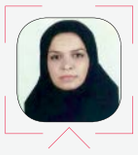
**پول را به حسابش واریز کردی؟**

به حساب خودش نه. گفت به حسابی واریز کنم که از طریق یك صرافی به دستش برسد.

**چه زمانی متوجه کلاهبرداری شدی؟**

بعد از واریز پول دیگر جواب تماس هایم را ندارد و فهمیدم هدفش کلاهبرداری بوده است.

### پشت نقاب مجازی



مریم جنت‌آبادی

حقوقدان

در سال‌های اخیر با رشد شبکه‌های اجتماعی شاهد افزایش ارتباطات مجازی هستیم. ارتباطاتی که بدون شناخت واقعی رخ می‌دهد و دو طرف سعی می‌کنند چهره‌ای از خود بروز دهند که دوست دارند طرف مقابل آن را باور کند. به نوعی چهره‌ای که آنها از خود بروز می‌دهند، شخصیتی غیر واقعی است برای جذب افراد. بررسی شخصیت این مجرمان نشان می‌دهد آنها اغلب افرادی با اعتماد به نفس پایین هستند و خود را پشت این نقاب مجازی مخفی کرده‌اند.

این افراد از نظر زبانی افرادی قوی هستند و به خوبی می‌توانند با دروغ هایشان طعمه را جذب خود کرده و اعتمادشان را جلب کنند. آنها در ابتدا سعی در شناسایی علایق طعمه کرده و در مرحله بعد خود را دارای توانایی‌های مورد نظر طرف مقابل نشان می‌دهند. برای جذب بیشتر هم پیشنهاد ازدواج را مطرح می‌کنند تا بعد مجرمانه رفتار خود را مخفی کنند. دختران نوجوان و جوان قربانیان اصلی این خواستگاران مجازی هستند که خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر ارتباطات آنها در این فضا داشته و فرزندان را از خطرات موجود آن آگاه کنند.

دختران هم باید بدون شناخت کافی به افراد اعتماد نکرده و اگر کسی مدعی قصد ازدواج است آن را از طریق خانواده و به صورت رسمی پیش ببرد.

یک حقوقدان: مجرمان سایبری چهره واقعی خود را پشت نقاب مجازی پنهان می کنند

## ادعای عجیب در ماجرای قتل دوست آرایشگر

پسر جوان که به اتهام قتل دوست آرایشگرش بازداشت است دیروز در دادگاه مدعی شد، چون دوستش قصد آزار وی را داشته برای دفاع از خودش چاقو کشیده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، عصر ۲۱ مهر ۹۷ مردی هراسان با کلانتری قرچك ورامین تماس گرفت و از جنایتی که در خانه همسایه‌شان رخ داده بود، خبر داد. مأموران بلافاصله به آدرس مورد نظر رفتند و در آنجا با پسر ۱۸ساله‌ای به نام پویا که پیکر خونین دوستش را در آغوش گرفته بود و اشك می‌ریخت روبه‌رو شدند. پویا می‌گفت ناخواسته با چاقو به قلب دوستش مجتبی زده است.

جسد خونین مجتبی ۲۰ ساله با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پویا تحت بازجویی قرار گرفت. این پسر که مشروب خورده و مست بود جنایت را گردن گرفت و به بازسازی صحنه جرم پرداخت.

وی دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه پدر و مادر مجتبی برای پویا حکم قصاص خواستند.

سپس پویا در جایگاه ویژه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: از وقتی درسم را رها کردم، کار می‌کردم. من قفسه‌ساز بودم و آن روز برای جوشکاری به خانه یکی از دوستانم رفته بودم. وقتی بعدازظهر به خانه برگشتم مادرم در خانه نبود، چون پدرم نگهبان بود مادرم برای پدرم غذا برده بود. می‌خواستم بخوابم که دوستم مجتبی با من تماس گرفت و من را به آرایشگاهش دعوت کرد. وقتی به آنجا رفتم متوجه شدم پیراهن، شلوار و کتانی نو خریده است. او به من گفت دیشب قمار کرده و پول لباس‌هایش را در قمار برده است. او به من گفت اگر دیشب با او به مهمانی رفته بودم ممکن بود پولی به دست بیاورم.

وی در ادامه مدعی شد: بعد از چند ساعت مجتبی آرایشگاهش را تعطیل کرد و مرا به خانه‌اش برد. او در بین راه مقداری خوراکی و مشروب خرید. وقتی به خانه رسیدیم برایم مشروب آورد. به او گفتم مشروب نمی‌خورم که به من اصرار کرد. چند دقیقه بعد از خوردن مشروب متوجه شدم حالم بد شده است، اما او به من گفت برای این‌که حالم بهتر شود لازم است مقدار دیگری مشروب بخورم.

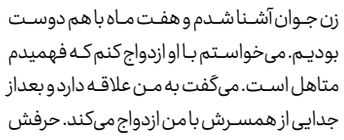
این متهم گفت: من مست بودم که مجتبی شروع به بهانه‌گیری کرد. او از من گلایه کرد که چرا با دوست مشترك‌مان به نام علیرضا صمیمی‌تر از او هستم و همیشه پاسخ تلفن‌های علیرضا را می‌دهم، اما گاهی اوقات پاسخ تلفن‌های او را نمی‌دهم. او که عصبانی بود به یکباره به صورتم سیلی زد و گفت در حقم خوبی‌های زیادی کرده و به همین خاطر باید به خواسته‌اش تن بدهم. از شنیدن حرف‌های مجتبی شوکه شده بودم. او می‌خواست من را آزار دهد که عصبانی شدم و کنترل تلویزیون را به سمت لوستر پرتاب کردم و با لگد به تلویزیون زدم. می‌خواستم از خانه خارج شوم، اما او مانع خروجم شد. همان موقع به سمت پنجره رفتم و قصد داشتم خودم را از پنجره به بیرون پرت کنم که مجتبی به رویم چاقو کشید. من هم برای دفاع از خودم کارد میوه‌خوری را برداشتم و یك ضربه به سینه او زدم. وقتی مجتبی روی زمین افتاد شوکه شدم. من او را در آغوش گرفتم و مقابل در خانه‌شان بردم و همسایه‌ها را خبر کردم، اما وقتی اورژانس به خانه آنها رسید کار از کار گذشته بود.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

مکث

پرونده زندگی ۲ قاتل بسته شد

## چوبه دار فرجام عشق کور



دو مرد که به اتهام جنایت‌های جداگانه‌ای به قصاص محکوم شده بودند، در زندان رجایی‌شهر کرج به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، نخستین زندانی که پای چوبه دار رفت مرد جوانی به نام مجید بود که بامداد ۱۸ خرداد ۹۵ مقابل ساختمانی در محله پارك‌وی رفت و زوج سرایدار ساختمان را که از مهمانی به خانه‌شان بازمی‌گشتند در حالی که نقاب به چهره زده و سلاح به دست داشت در پارکینگ ساختمان هدف شلیك گلوله قرار داد و باعث مرگ زن جوان و زخمی شدن شوهر او شد.

در جریان تحقیقات معلوم شد او مدتی کارگر خدماتی در سفارت چین بوده که بعد از چند ماه از جنایت بازداشت و اعتراف کرد آن زن را قربانی جنایت عاشقانه کرده است. مجید در شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران در حالی محاکمه شد که اولیای دم برای او قصاص خواستند. متهم نیز در دفاع از خود گفت: دوستم مرا عضو گروه بی تالك کرد و همانجا با زن جوان آشنا شدم و هفت ماه با هم دوست بودیم. می‌خواستم با او ازدواج کنم که فهمیدم متاهل است. می‌گفت به من علاقه دارد و بعد از جدایی از همسرش با من ازدواج می‌کند. حرفش را باور نکردم، به روستایشان رفتم و همه چیز را به خانواده‌اش لو دادم. یك روز که در تهران کار می‌کردم او با من تماس گرفت و خواست به نزدش بروم و دفترچه خاطراتی که عکس و دل نوشته‌هایمان در آن بود را تحویل بگیرم. چون می‌ترسیدم روز قرارمان شوهرش سر برسد با خودم سلاح بردم، اما در میانه راه تصمیم به قتل آن زن گرفتم. مقابل خانه‌اش رفتم و منتظر شدم. زمانی که او و شوهرش خواستند وارد پارکینگ شوند به سمتشان شلیك کردم و او را به قتل رساندم و شوهرش زخمی شد.

حکم قصاص برای او صادر و این حکم در دیوان‌عالی کشور تایید و بعد از سه سال در زندان اجرا شد.

### شرطی که اجرا نشد



اما دومین مرد اعدامی که در زندان رجایی شهر کرج اعدام شد، مردی به نام قربان بود که ۱۵ سال پیش دست به جنایت زده بود. او شامگاه ششم فروردین سال ۸۳ با ضربه‌های چاقو مردی را زخمی کرد و وی را به بیمارستان زعیم شهرستان پاکدشت منتقل کرد، اما با پی بردن به مرگ او از آنجا فرار کرد و بعد از پنج ماه در قیامدشت بازداشت و به قتل اعتراف کرد. عامل جنایت گفت: زمانی که وارد خانه همسر موقتم شدم، شوهر سابق او را دیدم که برای دیدن وی و مادر همسرم آمده بود که همین باعث ناراحتی‌ام شد و او را با ضربه چاقو به قتل رساندم.

متهم در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری حکم قصاص گرفت و بعد از تایید حکم، پرونده به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. هشت سال بعد از جنایت او برای اولین بار پای چوبه دار رفت که توانست چند ماه مهلت بگیرد و حکم او متوقف شد. بهار امسال او برای بار دوم قرار شد پای چوبه دار برود که این بار هم با تلاش واحد صلح و سازش دادسرا خانواده مقتول دوباره به او مهلت دادند و این بار گفتند که اگر به نام پسر فوت شده‌شان پرورشگاهی در باقرشهر برای کودکان بی‌سرپرست بنا کند او را می‌بخشند، اما وی در زمان تعیین شده نتوانست شرط خانواده مقتول را اجرایی کند و برای سومین بار پای چوبه دار رفت و بعد از گذشت ۱۵ سال از وقوع جنایت در زندان رجایی‌شهر کرج به دار مجازات آویخته شد.